

## تفاوت‌های قومی در ازدواج و همسرگزینی (در ایران)

دکتر مجید کوششی\*

### چکیده

در سالهای اخیر، پژوهش‌های زیادی دربارهٔ وضعیت ازدواج انجام شده، اما این تلاش‌ها بیشتر معطوف به مطالعهٔ این موضوع در مقیاس ملی بوده و کمتر به تفاوت‌های محلی و منطقه‌ای توجه شده است. نقصان و خلأ جدی‌تر از این نظر به گروه‌های اجتماعی، به ویژه قومیت‌ها مربوط می‌شود. این مقاله تلاش کرده است تا مطالعات ازدواج با رویکرد جمعیت‌شناختی و مقیاس ملی را به سوی بررسی تفاوت برخی اقوام ایرانی معطوف کند. با اینکه به دلیل فقدان اطلاعات، دانش ما دربارهٔ وضعیت ازدواج اقوام ایرانی در گذشته بسیار ناچیز است، اما اطلاعات جدید در این باره حاکی از تفاوت‌های معنادار بین این قومیت‌هاست. این مقاله نشان می‌دهد که در برخی از اقوام ایرانی ازدواج سریع‌تر و در مواردی عمومی‌تر است و تمایزاتی از نظر همسرگزینی وجود دارد. بر این اساس، مردان مازندرانی و لر و زنان لر و ترک نسبت به افراد فارس و گیلانی زودتر ازدواج می‌کنند. هرچند تفاوت زیادی در تأخیر ازدواج مردان بین این اقوام مشاهده نمی‌شود، اما زنان مجرد فارس و گیلانی، به ویژه نسبت به زنان کرد، ترک و لر، دیرتر ازدواج می‌کنند. از نظر نحوهٔ انتخاب همسر نیز مردان و زنان لر به نحو چشمگیری از دیگر اقوام متمایز بوده و همسر خود را بیشتر به توصیهٔ پدر و مادر انتخاب کرده‌اند، در حالی که گیلانی‌ها نیز متمایز از دیگر اقوام، بیشتر با انتخاب شخصی و توصیهٔ دوستان همسرگزینی کرده‌اند.

### واژگان کلیدی

قومیت، سرعت ازدواج، عمومیت ازدواج، میانگین سن در ازدواج بار اول و همسرگزینی.

## مقدمه

در سالهای اخیر، مطالعات زیادی درباره وضعیت ازدواج در ایران انجام شده است. اگر از اختلاف نظری که درباره مضيقه یا تنگنای ازدواج<sup>۱</sup> جوانان ایرانی وجود دارد، صرف نظر کنیم، همه مطالعات نشان داده اند که بعد از ۱۳۶۵ ه. ش، ازدواج در ایران با تأخیر شایان توجهی انجام شده و در نتیجه، متوسط سالهای مجرد ماندن جوانان رو به افزایش گذاشته است. برآوردها حاکی از این است که این میانگین از حدود ۱۸ سال برای زنان و حدود ۲۵ سال برای مردان در ۱۳۴۵ ه. ش به بیش از ۲۳ سال برای زنان و حدود ۲۶ سال برای مردان در ۱۳۸۰ ه. ش رسیده است. یعنی زنان در ۱۳۸۰ ه. ش نسبت به ۱۳۴۵ ه. ش، حدود ۵ سال و مردان حدود یک سال بیشتر مجرد می ماندند؛ اگرچه تا ۵۰ سالگی بیش از ۹۸ درصد آنان حداقل یکبار ازدواج می کنند (کمالی و کوششی، ۱۳۸۳). بنابراین، تأخیر در ازدواج به پدیده ای عمومی در کشور تبدیل شده است.

اما در این باره که دیگر گروههای جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی از این نظر در چه وضعیتی هستند، جز مطالعاتی معدود که به تفاوتهای جنسیتی یا استانی پرداخته اند، پژوهشی انجام نشده است (برای مثال میرزایی و دیگران، ۱۳۷۵). یکی از این گروههای اجتماعی، اقوام یا قومیتهای ایرانی است که هیچ تحقیقی با رویکرد جمعیتی به مطالعه تطبیقی بین آنها نپرداخته است. به نظر می رسد حتی می توان نبود توافق بر سر موضوع مضيقه ازدواج در ایران را ناشی از این فقدان، یعنی بی اطلاعی از بازارهای محلی ازدواج تلقی کرد.

مقاله حاضر با این پیش فرض که وضعیت ازدواج و همسرگزینی در بین اقوام ایرانی یکسان نیست، درصدد است تا با بررسی داده های موجود، به مقایسه وضعیت ازدواج اقوام ایرانی از نظر سرعت یا پیش رسی ازدواج، عمومیت آن و همسرگزینی پردازد و این تلاش را تنها گامی به سوی توجه به بازارهای محلی ازدواج و بازگشت به رویکرد تطبیقی و پرهیز از کلی نگری نسبت به رفتارهای جمعیتی می داند. با وجود این، هدف این مقاله بررسی تبیینی عوامل موثر بر ازدواج نیست تا قومیت به عنوان یکی از متغیرهای تعیین کننده دیده شود. بی تردید موضوع مطرح شده در این مقاله، مستلزم بررسیهای بیشتر و نگرش جامع تر و تحقیق درباره علل و عوامل تفاوتهاست.

## نگاهی نظری به موضوع و مطالعات پیشین

دهه ۱۳۸۵-۱۳۷۵ ه. ش را باید دوره‌ای کاملاً متمایز از دوره‌های دیگر در تاریخ جمعیتی ایران دانست. دلایل مختلفی برای این تمایز می‌توان ذکر کرد. اول اینکه به‌رغم کاهش سطح باروری از سال‌های پایانی دهه شصت، جمعیت ایران همچنان در دوره گذار جمعیتی خود به‌سر می‌برد؛ دوره‌ای که حتی در پایان خود رشدی بالنسبه بالا در جمعیت ایجاد می‌کند. دوم اینکه کسانی که در سال‌های آغازین انقلاب به دنیا آمده‌اند، در این دوره ده ساله به سنین جوانی با نیازهای خاص رسیده‌اند و اندازه جمعیت این سنین را، بزرگ‌تر از قبل کرده‌اند. سومین دلیل و از مهم‌ترین دلایل تمایز دوره ۱۳۸۵-۱۳۷۵ ه. ش، بروز تدریجی بزرگ‌ترین تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در این دهه است. شرایط اقتصادی و فشارهای تدریجی بر فرد و خانوار، افزایش تمایل جوانان، به خصوص دختران به تحصیل و تحولات متعاقب آن و گسترش نه کاملاً آشکار استقلال‌طلبی زنان که نزدیک‌ترین رابطه را با تعویق ازدواج دارد، از جمله این تغییرات است. به نظر می‌رسد همزمانی این تغییرات در دوره ۱۳۸۵-۱۳۷۵ ه. ش از هر دوره دیگری بیشتر بوده است.

ترکیب تغییرات مذکور موجب شد تا برخی از مسائل خاص جوانان که در دوره‌های دیگر نیز بروز و ظهور داشت، در این دوره پررنگ‌تر شود، اما جامعه ایران نسبت به همه این مسائل واکنش یکسانی از خود نشان نداد؛ اگرچه به‌نظر می‌رسد برخی از این مسائل (مثلاً رابطه والدین با فرزندان یا آسیب‌های سیاسی و اجتماعی) حتی مهم‌تر باشند، اما جامعه نسبت به دو مورد از این مسائل حساسیت بیشتری نشان داد. این دو مورد عبارتند از اشتغال و ازدواج. بنابراین، هم در حوزه سیاست‌های اجتماعی و هم در حوزه پژوهش‌های اجتماعی این دو موضوع به مهم‌ترین موضوعات مبدل شدند. در نتیجه، هم دولتمردان و هم پژوهشگران، تلاش‌هایی را در جهت شناسایی و اعمال راه‌حلهای مختلف برای برخورد با این دو در پیش گرفتند. با وجود این، به‌نظر می‌رسد ازدواج حتی در مقایسه با اشتغال بااهمیت‌تر و مهم‌تر از آن، پیچیدگی‌های زیادی داشته باشد. دخالت بسیاری از عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، چه در سطح کلان و چه در سطح فردی، چه از منظر فردی غیرارادی یا ارادی، پیچیدگی‌های شناخت و برخورد با معضل ازدواج را دامن زده است. به راستی آیا گشایش اقتصادی بر حل این مشکل و تسریع در ازدواج

جوانان مؤثر و مفید خواهد بود یا وضعیت کنونی حاصل جریان و فرایند بالنسبه پیچیده‌ای است که عامل اقتصادی سهم خیلی بزرگی از آن ندارد؟ هنوز دانش ما برای پاسخ این پرسش کافی نیست و از این رو، ضروری است تا تلاشهای بیشتری برای افزایش اطلاعات و شناخت از این پدیده صورت گیرد. در این راه تردیدی نیست که انجام پژوهش و بررسیهای علمی روی اطلاعات موجود و سعی در گردآوری اطلاعات بیشتر، مؤثرترین گام ممکن است.

رویکرد جمعیت‌شناختی به ازدواج، یعنی نگاهی که این مقاله به مقایسه وضعیت ازدواج قومیتها دارد، به‌طور اساسی بر زمانبندی و سرعت ازدواج، عمومیت ازدواج و همسرگزینی تأکید دارد؛ وقایعی که به‌طور مستقیم به نوسان در فراوانی ازدواج که با سطح باروری و زاد و ولد انسانی مرتبط است، می‌انجامد. بنابراین پرسش خاص مقاله حاضر این است که ازدواج در جمعیت کدام قوم ایرانی سریع‌تر، زود هنگام‌تر و عمومی‌تر رخ می‌دهد؟ آیا تفاوتی در همسرگزینی در این گروهها وجود دارد؟ و آیا در گذشته و پیش از تغییراتی که به دو یا سه دهه گذشته نسبت می‌دهیم نیز وضعیت ازدواج قومیتها با هم تفاوت داشته است؟

برخی از محققان باوری به تمایز گروهها در رفتارهای اجتماعی ندارند. مثلاً تفاوتهای موجود در ازدواج گروههای مختلف مثل شهرنشینان و روستائینان یا گروههای نژادی و قومیتها و دیگر گروههای اقتصادی - اجتماعی را به تفاوتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نسبت می‌دهند. برای مثال، ماری لادیه فولادی (۱۹۹۳) از بررسی خود روی تفاوتهای قومی باروری در ایران، نتیجه گرفت که قومیت به‌طور مستقل تأثیری بر باروری ندارد (به نقل از صادقی، ۱۳۸۳). صادقی (۱۳۸۳) در بررسی سهم تفاوتهای قومی در تبیین تغییرات باروری، پس از کنترل آماری اثر عوامل اجتماعی و سپس جمعیتی، نتیجه گرفته است که با وجود کاهش میزان تأثیر متغیر قومیت بر باروری در جریان این کنترل آماری، قومیت همچنان یک متغیر تأثیرگذار مهم تلقی می‌شود. نتایج مطالعات وی بر این نکته تأکید دارد که «قومیت هم از طریق مشخصه‌ها و هم مستقل از آنها، باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهد» (صادقی، ۱۳۸۳: ۱۴۷). در واقع، بررسیهای وی هر دو فرضیه افراطی «تعیین‌کنندگی قطعی تفاوتهای قومی» و نیز «باطل شمردن هرگونه تأثیر قومیت» را رد می‌کند. در هر حال، حتی درباره اثر قومیت بر باروری که در مقایسه با مطالعات ازدواج، ادبیات پژوهشی چندی در ایران دارد، چنین به نظر می‌رسد که انجام

مطالعات بیشتر برای اظهار نظر روشن‌تر ضروری است.

مطالعه تفاوت‌های قومی در باروری در ایران، اگرچه با اهداف، ابزار و نتایج یکسانی صورت نگرفته، اما در مقایسه با ازدواج به مراتب غنی‌تر است. این بررسیها شامل مطالعات زنجانی و ناصری (۱۳۷۱)، پرنده (۱۳۷۲)، ندیم و سالاری لک (۱۳۷۹)، صادقی (۱۳۸۳)، عباسی و دیگران (۱۳۸۳) و فولادی (۱۹۹۳) است (برای مرور نتایج این بررسیها صادقی، ۱۳۸۳: ۲۹-۳۱ را ببینید). اما بررسی و مقایسه وضعیت ازدواج در گروههای جمعیتی - اجتماعی و اقتصادی - فرهنگی سابقه زیادی ندارد و تعداد مطالعات در این مورد بسیار اندک است. همین محدود مطالعات نیز کمتر به مسئله تفاوت قومیتها توجه داشته‌اند و اغلب در پی توصیف و تحلیل تفاوت وضعیت ازدواج گروههای غیر از اقوام بوده‌اند. مفصل‌ترین بررسی را میرزایی و دیگران (۱۳۷۵) انجام داده‌اند که در آن تمایزات جنسیتی، نسلی و استانی در وضعیت ازدواج بررسی شده است. این بررسی نشان داده است که در سال مورد بررسی (۱۳۷۰)، میانگین سن ازدواج نسلهای گذشته نسبت به نسلهای جدید، زنان نسبت به مردان، مردان و زنان بی‌سواد نسبت به افراد باسواد، مردان و زنان روستایی نسبت به شهرنشینان، ساکنین برخی استانها مثل خراسان، سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد، زنجان نسبت به سایر استانها تجربه ازدواج زودهنگام‌تر را دارند.

### روش بررسی و داده‌ها

در بررسی حاضر از داده‌های جمعی<sup>۱</sup> پرونده اطلاعات آمارگیری اقتصادی - اجتماعی مرکز آمار ایران (۱۳۸۰) استفاده شده است. بنابراین، این پژوهش نوعی تحلیل ثانویه روی داده‌های مذکور است و به تحلیل فردی اطلاعات نمی‌پردازد. این داده‌ها از سویی برای تحلیل و تطبیق وضعیت ازدواج اقوام مناسب و مفید است، ولی از سوی دیگر، به دلیل ضرورت وجود حداقلی از موارد که بتواند پوشش جمعیتی مناسبی از گروههای سنی مورد بررسی برای محاسبه نسبتها و میانگینها ارائه کند، تحلیل وضعیت همه گروهها و اقوام را محدود کرده است؛ محدودیتی که در تحلیل سطح فردی به وجود نمی‌آید. از این رو، در این بررسی به علت فقدان نمونه کافی،

امکان مطالعه همه اقوام ایرانی فراهم نشد و در نتیجه، قومیت عرب و اقلیتهای قومی دیگر که جمعیت کوچک و نمونه کوچکی در پیمایش انجام شده در آمارگیری داشتند، حذف و درباره گیلک و مازندرانی ناگزیر از ادغام بودیم. البته، در نهایت سعی شد در جایی که امکان محاسبه شاخصها وجود دارد، این کار به طور جداگانه صورت گیرد.

در این بررسی چند مفهوم کلیدی به کار برده شده است: اولین متغیر، قومیت یا به قول گیدنز، دیدگاهها و شیوه‌های عمل فرهنگی است که اجتماع معینی از مردم را متمایز می‌کند. «فرهنگ قومی در برگیرنده شیوه کلی زندگی، زبان، ایده‌ها، اعتقادات، ارزشها و الگوهای رفتاری است» (صادقی، ۱۳۸۳: ۲۱). در آمارگیری اقتصادی - اجتماعی خانوار، زبان محلی و قومی به عنوان معرف قومیت فرد به کار رفته و بدین ترتیب، قومیت‌های بلوچی، ترکمنی، ترکی، عربی، کردی، گیلکی، لری، مازندرانی و دیگر قومها متمایز شده‌اند. البته همان‌طور که گفته شد، به دلیل استفاده از داده‌های کلی یا جمعی از بین این موارد، قومیت‌هایی برای مقایسه مورد استفاده قرار گرفته‌اند که جمعیت نمونه آنها برای برآورد و محاسبه شاخصها کافی بوده است. این قومیتها عبارت‌اند از: ترک، کرد، گیلک و مازندرانی، لر و فارس.

علاوه بر متغیر قومیت که مبنای گروه‌بندی افراد بوده، دو مفهوم کلیدی دیگر در این مقاله به کار رفته است: یکی از این دو، سرعت یا پیش‌رسی ازدواج است که با قرابت نسبت ازدواج‌کرده‌ها تا سن ۲۵ سالگی، به عدد ۱۰۰ سنجیده می‌شود. بنابراین، هرچه این نسبت به ۱۰۰ درصد نزدیک‌تر شود، ازدواج سریع‌تر و زود هنگام‌تر اتفاق افتاده و هرچه از این رقم دورتر شود، دیر هنگام و متأخر است. مفهوم دوم، عمومیت ازدواج است که با نسبت افراد ازدواج‌کرده در سن ۵۰ سالگی سنجیده شده و همچون سرعت ازدواج، نزدیکی آن به عدد ۱۰۰ درصد عمومیت بیشتر را نشان می‌دهد و برعکس.

علاوه بر موارد فوق، از دو میانگین نیز برای بررسی و مقایسه ازدواج قومیتها استفاده شده است. نخستین متوسط، همان میانگین ساده حسابی است که از روی سن فرد در هنگام ازدواج اول و صرفاً برای گروه ازدواج‌کرده محاسبه می‌شود. در این بررسی، برای کنترل نسبی اثر نسلی، این میانگین فقط برای افرادی محاسبه شده است که در فاصله سالهای ۱۳۷۰-۱۳۸۰ ه. ش و برای بار اول ازدواج کرده‌اند. دومین مورد متوسط، تعداد سالهایی است که فرد مجرد می‌ماند. این میانگین، در واقع برآوردی از میانگین اولی است و تنها هنگامی برآورد خوبی از متوسط سن

در ازدواج اول است که الگوی سنی ازدواج دستخوش تغییر نشده باشد. این سنجه با استفاده از فرمول هاینل محاسبه می‌شود و در شرایطی که الگوی ازدواج تغییر کرده باشد، تنها بیانگر متوسط سالهای مجرد و شاخص خوبی از تأخیر در ازدواج است.<sup>۱</sup>

## نتایج تجربی

### تفاوت‌های قومی در میانگین سن ازدواج

برای بررسی تفاوت‌های قومی در میانگین سن ازدواج دو شاخص محاسبه شده است. نخستین شاخص میانگین سن در ازدواج اول کسانی است که طی دهه ۷۰ ازدواج کرده‌اند و دومی، متوسط سنی است که کسانی که ازدواج نکرده‌اند، ازدواج خود را تا آن سن به تعویق می‌اندازند. بنابراین، دومین میانگین معیار مناسبی برای بررسی و مقایسه تفاوت‌های قومی در به تأخیر انداختن ازدواج است.

جدول ۱ این دو شاخص را برای هر یک از دو جنس در قومیت‌های مورد بررسی نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول ۱ آمده است، برآورد می‌شود که ایرانیانی که در دهه ۷۰ ازدواج کرده‌اند به‌طور متوسط ۲۰/۶ سال سن داشته‌اند که اگر برای مرد و زن تفکیک شود، مردان به‌طور متوسط در ۲۲/۴ سالگی، و زنان به‌طور متوسط در ۱۸/۱ سالگی ازدواج کرده‌اند. با این حال، همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، این متوسط برای قومیت‌های تحت بررسی یکسان نیست و از کمتر از ۲۳ سال برای مردان مازندرانی تا بیش از ۲۴ سال برای مردان گلپیک و از ۱۷ سال برای زنان لر تا ۲۰ سال برای زنان گلپیک در تغییر است. یعنی تفاوت کمترین میانگین و بیشترین میانگین برای مردان حدود ۱/۳ سال و برای زنان حدود ۳ سال است. این تفاوت جنسیتی بیان‌کننده این واقعیت مهم است که به احتمال تفاوت قومی در میانگین سن ازدواج زنان انعکاسی از تفاوت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اقوام است.

جابه‌جایی نظم و ترتیب قومیت‌ها نیز مؤید این تفاوت مهم بین دو جنس است. در حالی که مردان مازندرانی کمترین میانگین سن ازدواج را در میان مردان اقوام ایرانی داشته‌اند (رتبه اول).

۱. برای آشنایی با این روش ر.ک. به: محمد میرزایی (۱۳۸۱)، گفتاری در باب جمعیت‌شناسی کاربردی، انتشارات دانشگاه تهران، صص ۷۸-۸۲.

زنان این قوم میانگین سن ازدواج بالنسبه بالایی دارند که از این نظر، این قومیت را به رتبه پنجم در بین شش قوم مورد بررسی بالا می‌برد؛ یعنی زنان مازندرانی ۲ سال دیرتر از زنان لر ازدواج می‌کنند، در حالی که مردان مازندرانی کمی زودتر از مردان لر ازدواج کرده‌اند. از این رو، به نظر نمی‌رسد تفاوت میانگین سن ازدواج زنان تنها متأثر از تفاوت قومی باشد، هر چند این مقاله به هیچ وجه قصد پرداختن به این موضوع را ندارد، اما میانگین سن تجرد یا مجرد ماندن نه تنها در میان مردان اقوام مختلف، بلکه در میان زنان نیز تفاوت چشمگیر و معنی‌داری را نشان نمی‌دهد. همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد، میانگین سن مجرد ماندن مردان با تفاوت اندکی برای تمام اقوام، حدود ۲۶ سال و برای زنان حدود ۲۳ تا ۲۴ سال است، هر چند بازهم تفاوت قومی در بین زنان بیشتر از مردان است.

جدول ۱: میانگین سن در ازدواج اول گروه هم‌دوره دهه ۷۰ و متوسط سالهای تجرد به تفکیک جنس و قومیت در سال ۱۳۸۰

قومیت	میانگین سن در ازدواج اول			متوسط سالهای تجرد		
	دو جنس	مرد	زن	دو جنس	مرد	زن
ترکی	۲۰/۴۰	۲۳/۳۶	۱۷/۷۷	۲۴/۸	۲۶/۳	۲۳/۱
کردی	۲۰/۸۰	۲۳/۳۸	۱۸/۲۴	۲۴/۵	۲۶/۵	۲۲/۸
گیلکی	۲۱/۹۹	۲۴/۲۱	۲۰/۰۴	۲۵/۳	۲۶/۳	۲۴/۰
لری	۱۹/۹۰	۲۳/۰۱	۱۷/۰۷	۲۵/۰	۲۶/۸	۲۳/۵
مازندرانی	۲۰/۹۹	۲۲/۸۶	۱۹/۱۴	-	-	-
فارس	۲۰/۶۷	۲۳/۵۹	۱۸/۲۲	۲۵/۵	۲۶/۲	۲۴/۴
کل	۲۰/۵۸	۲۳/۳۸	۱۸/۱۱	۲۵/۱	۲۶/۸	۲۳/۷

موضوع مهم دیگر، تفاوت اقوام در فاصله سن زن و مرد در هنگام ازدواج است که براساس تفاوت میانگینهای سن دو جنس، در ازدواج بار اول محاسبه و در جدول ۱ ارائه شده است. این جدول نشان می‌دهد که مردان ازدواج کرده، در کل، حدود ۵ سال از همسر خود مسن‌تر هستند که این در میان اقوام تحت بررسی متغیر است. بیشترین اختلاف سن زن و مرد هنگام ازدواج، در میان قوم لر و کرد به ترتیب با ۵/۹ و ۵/۶ سال مشاهده شده است. پس از این دو قوم، زن و



شوه‌رهای فارس و کرد به ترتیب با ۵/۴ و ۵/۱ بیشترین تفاوت سن را دارند، در حالی که اختلاف سن زن و مرد ازدواج‌کرده گیلک و مازنی کمتر از ۴ سال است.

### تأخیر و تعجیل در ازدواج

همان‌طور که اشاره شد، مطالعات زیادی نشان داده‌اند مردان، و بویژه زنان ایرانی، طی دو دهه گذشته با تأخیر شایان توجهی ازدواج کرده‌اند (کمالی و کوششی، ۱۳۸۳؛ کوششی ۱۳۸۳؛ کوششی ۱۳۸۴) محاسبه تفاوت میانگین سن در ازدواج اول دو گروه افراد ازدواج کرده و هرگز ازدواج نکرده، به طوری که در جدول ۲ نیز ملاحظه می‌شود، نشان می‌دهد که در کل کشور، مردان با حدود ۳ سال و زنان با بیش از ۵ سال تأخیر ازدواج می‌کنند. همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، بیشترین سالهای تأخیر در ازدواج را در میان قوم لر و بعد از آن فارس می‌توان مشاهده کرد. وضعیت افراد ترک‌زبان نیز کم و بیش شبیه قوم لر است، اما افراد گیلک و پس از آن، کرد، کمترین میزان تأخیر در ازدواج را داشته‌اند. بنابراین، اقوام مورد بررسی، از نظر میزان تأخیر در ازدواج، شرایط یکسانی ندارند و بسیار متفاوت هستند.

جدول ۲: میانگین سالهای تأخیر در ازدواج مجردان نسبت به ازدواج‌کرده‌های

دوره ۱۳۸۰-۱۳۷۰ به تفکیک گروه‌های قومی

قومیت	میانگین سالهای تأخیر در ازدواج	
	مرد	زن
ترکی	۲/۹	۴/۴
کردی	۳/۱	۳/۷
گیلکی	۲/۱	۳/۳
لری	۳/۸	۵/۱
فارس	۲/۶	۴/۸
کل	۳/۴	۴/۵

نمودارهای ۱ و ۲ نسبت افراد ازدواج‌کرده گروه‌های سنی را به ترتیب برای مردان و زنان نشان می‌دهد. از نظر تفاوت قومیتها، هر دو نمودار به روشنی نشان می‌دهند که صرف‌نظر از

چند انحراف در سنین ۲۵ تا ۳۵ سالگی برای مردان دو قومیت کرد و ترک (نمودار ۱)، شکل کلی الگوی سنی ازدواج در همه قومیتها یکسان و مشابه است.<sup>۳</sup> از سویی نیز بدون توجه به برخی تفاوتها، سرعت ازدواج برای مردان و زنان همه اقوام این است که شروع اوج گیری منحنی نسبت ازدواج کرده های مرد، حدود ۵ سال بیشتر از زنان است. نمودارهای مورد اشاره به خوبی نشان می دهند که بیشترین افزایش نسبت مورد بحث برای مردان در سنین ۲۰ تا ۲۵ سالگی و برای زنان ۱۵ تا ۳۰ سالگی است. از این نظر، وضعیت دو قومیت کرد و ترک با سایر اقوام کمی متفاوت است. نمودار ۱ نشان می دهد که نسبت ازدواج کرده ها در بین مردان کرد و ترک بین ۲۰ تا ۳۰ سالگی، به خصوص نسبت به اقوام گیلک و مازنی و تا حدودی لر، با سرعت بیشتری افزایش یافته و به حداکثر خود (۱۰۰ درصد) متمایل می شود.

مقایسه نسبتها و درک شرایط مذکور با اطلاعات ارائه شده در جدول ۳ ساده تر است. همان طور که این اطلاعات نشان می دهد، ازدواج زودهنگام مردان (زیر ۲۰ سال) در بین اقوام کرد، ترک و لر شایع تر است، اگرچه در همه موارد نسبت ازدواج کرده ها در سنین زیر ۲۰ سال کمتر از ۱/۵ درصد است. تعجیل در ازدواج که با نسبت ازدواج کرده های زیر ۲۵ سال قابل بررسی است، نوسان زیادی بین اقوام ندارد؛ جز اینکه این تعجیل در ازدواج برای مردان فارس کمی کمتر است. همان طور که نمودار ۱ نیز نشان می دهد، بزرگترین تفاوت های قومی برای مردان ۲۵ تا ۲۹ سال و ۳۰ تا ۳۴ ساله دیده می شود. ارقام جدول ۳ نیز همین وضوح را دربردارد؛ به طوری که نسبت ازدواج کرده های ۲۵ تا ۲۹ از حدود ۶۲ درصد برای مردان گیلک و مازنی تا ۷۶ درصد برای قوم کرد متغیر است. با معیار قرار دادن این نسبت، ازدواج مردان قوم کرد و ترک حتی پرشتاب تر از ازدواج قوم لر است.

به طور کلی در الگوی ازدواج اقوام کرد و ترک، سرعت و شتاب تمایل به حد نهایی نسبت، بیشتر و ازدواج زودهنگام شایع تر است. اگر به سنین بعدی یعنی بالای ۳۰ سال توجه کنیم، همان طور که در نمودار ۱ مشاهده می شود، چه در کل و چه در هر یک از اقوام مورد بررسی،

۳ این تشابه خاص اقوام ایرانی نیست و تحقیقات جمعیتی مسوطی بر این موضوع تأکید دارند که تفاوت جمعیت در سن شروع ازدواج، سرعت و عمومیت ازدواج می باشد و الگوی سنی ازدواج متفاوت نیست. در این مورد به منبع زیر مراجعه کنید:

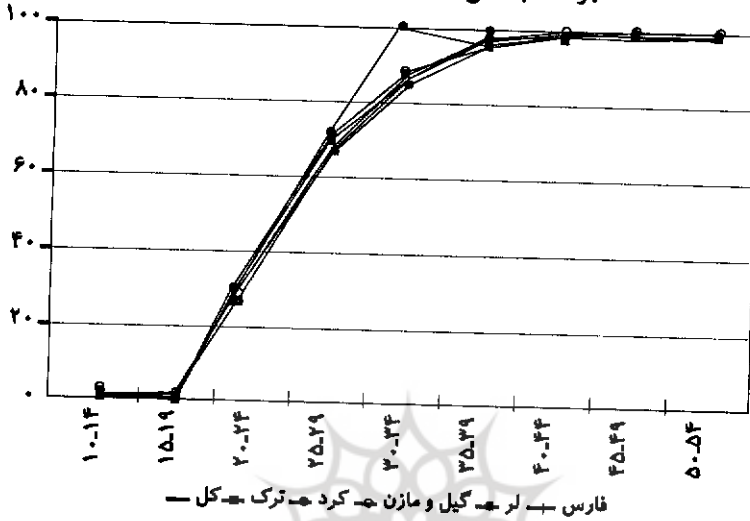
منحنی با خط حد نهایی (۱۰۰ درصد) مماس می‌شود و این واقعیت را نشان می‌دهد که در حال حاضر ازدواج در همه گروه‌های قومی عمومیت بالایی دارد، یعنی با هر شتاب و سرعتی، اکثر مردان تا قبل از ۴۰ سالگی ازدواج می‌کنند. تفاوت‌های قومی در این مورد بسیار ناچیز و نوسانات آن نیز تا حدود زیادی به کم‌شمار بودن تعداد نمونه در این سنین مربوط است.

جدول ۳: نسبت افراد حداقل یک‌بار ازدواج کرده در گروه‌های سنی پنج ساله، از ۱۵ تا ۲۹ سالگی، به تفکیک جنس و گروه‌های قومی در سال ۱۳۸۰

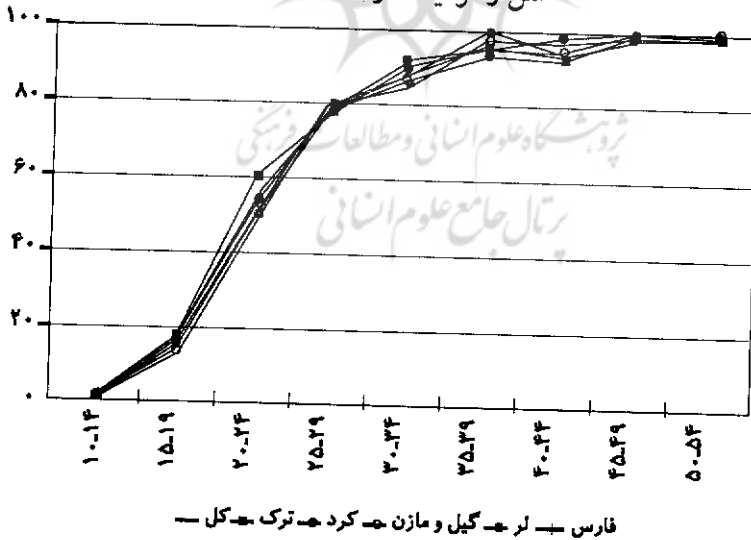
قومیت						گروه سنی	جنس
فارس	لر	گیلک و مازندرانی	کرد	ترک	کل		
۰/۶	۱/۰	۱/۳	۱/۴	۱/۳	۱/۲	۱۵-۱۹	مرد
۲۲/۸	۲۷/۰	۲۶/۰	۲۵/۵	۲۸/۰	۲۶/۰	۲۰-۲۴	
۶۳/۹	۶۴/۱	۶۲/۲	۷۶/۵	۷۱/۶	۶۷/۳	۲۵-۲۹	
۱۵/۱	۱۴/۲	۱۲/۹	۲۰/۴	۲۲/۶	۱۷/۹	۱۵-۱۹	زن
۵۱/۰	۴۹/۳	۴۷/۴	۵۲/۲	۶۰/۰	۵۳/۷	۲۰-۲۴	
۷۸/۹	۸۱/۷	۷۹/۱	۸۰/۰	۷۷/۳	۷۸/۹	۲۵-۲۹	

نمودار ۲، پرشتاب‌ترین افزایش در نسبت زنان ازدواج کرده را در بین ۲۰ تا ۲۴ سالگی نشان می‌دهد و بزرگ‌ترین تفاوت‌های قومی در دو گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ و ۲۰ تا ۲۴ ساله مشهود است. در واقع، همان‌طور که نمودارهای ۱ و ۲ نشان می‌دهند، تفاوت مردان و زنان از این نظر (یعنی سنینی که تفاوت‌های قومی بیشتری دارد) در جابه‌جایی یک گروه سنی است؛ یعنی همان‌طور که سرعت ازدواج زنان در یک گروه سنی جوان‌تر از مردان اتفاق می‌افتد، بیشترین تفاوت قومی در بین زنان نسبت به مردان، در یک گروه سنی جوان‌تر دیده می‌شود. این تفاوت‌ها در حقیقت در سنینی بیشتر مشهود است که در این دو منحنی شیب تندتری دارند؛ یعنی سنینی که بیشتر مردان و زنان در این سنین ازدواج می‌کنند، در حالی که تفاوت قومی در سنین پایین و بالای ازدواج تا این اندازه مشهود و مهم نیست.

نمودار ۱: نسبت مردان حداقل یک بار ازدواج کرده  
برحسب سن و قومیت در سال ۱۳۸۰



نمودار ۲: نسبت زنان حداقل یک بار ازدواج کرده برحسب  
سن و قومیت در سال ۱۳۸۰



اطلاعات جدول ۳، مقایسه نسبت زنان ازدواج‌کرده را در گروه‌های سنی معیار، برای اندازه‌گیری شتاب ازدواج ممکن می‌کند. همان‌طور که در این جدول ملاحظه می‌شود، ازدواج زود هنگام (زیر ۲۰ سال) در بین اقوام کرد و ترک بیشترین شیوع (به ترتیب با ۲۳ و ۲۰ درصد ازدواج‌کرده)، در اقوام فارس و لر شیوع بالنسبه کمتر (برابر یا کمتر از ۱۵ درصد) و در گروه گیلک و مازنی (با نسبت کمتر از ۱۳ درصد) کمترین شیوع را دارد. بررسی نسبت زنان ازدواج‌کرده ۲۰ تا ۲۴ ساله که شدت تعجیل و تأخیر در ازدواج را بیان می‌کند نیز نشان می‌دهد که بیشترین تعجیل و سرعت در ازدواج برای زنان قوم ترک (با نسبت ۶۰ درصد) و کمترین تعجیل یا بیشترین تأخیر برای قوم گیلک و مازندرانی (با نسبت ۴۸ درصد) و لر (با نسبت ۴۹ درصد) مشاهده می‌شود. برعکس آنچه درباره مردان مشاهده شد، با نائل شدن زنان به سنین ۲۵ تا ۲۹ سالگی تفاوت قومی در ازدواج کاهش یافته و به حدود ۴ واحد می‌رسد؛ یعنی اختلاف رقم ۷۷ درصد برای قوم ترک و ۸۱ درصد برای قوم لر. نمودار ۲ نیز نشان می‌دهد که در این گروه سنی و گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ سال، نسبت ازدواج‌کرده‌ها به تندی افزایش می‌یابد؛ افزایشی که به نظر می‌رسد باید در سنین کمتر از ۲۵ سال دیده شود.

سوی کاهشی که در نسبت ازدواج‌کرده‌های ۴۰ تا ۴۴ سال برای همه قومیتها، غیر از زنان کرد، در نمودار ۲ ملاحظه می‌شود، نسبت زنان ازدواج‌کرده در سنین ۳۵ سال و بیشتر به حد نهایی نزدیک شده و حکایت از همان عمومیتی در ازدواج دارد که برای مردان ملاحظه شد؛ یعنی بیشتر زنان در این سنین حداقل یک‌بار ازدواج کرده‌اند. بی‌قاعده بودن این نسبت (انحراف از شکل تراکمی) در سنین ۴۰ تا ۴۴ سالگی ممکن است ناشی از اثر نسل یا کوچک بودن حجم نمونه در این سنین باشد.

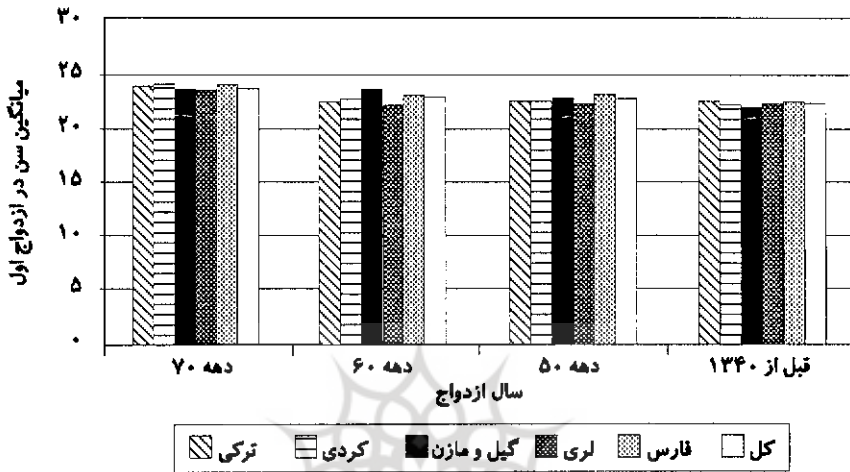
### تفاوت قومی در میانگین سن ازدواج اول متأهلان هم‌دوره<sup>۱</sup>

برای بررسی بیشتر و پاسخ به این پرسش که آیا در گذشته تفاوت‌های قومی در وضعیت ازدواج بیشتر بوده یا خیر، براساس سال ازدواج، چهار گروه هم‌دوره (یعنی کسانی که هم‌زمان

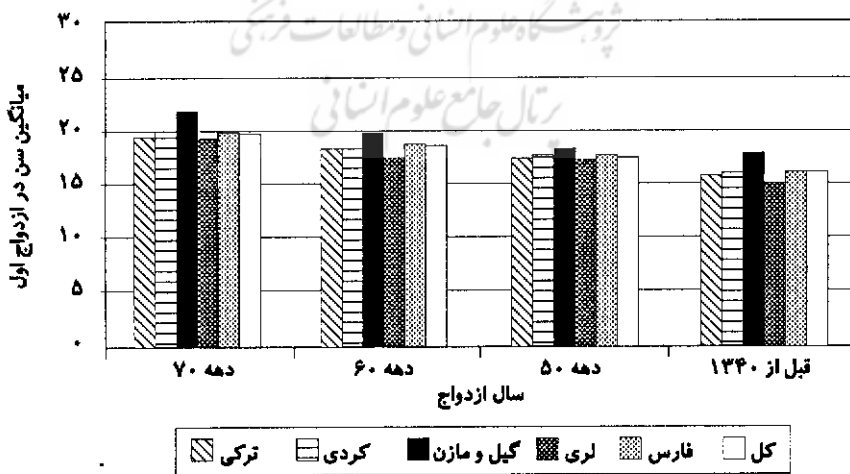
ازدواج کرده‌اند) تعریف شده است. گروه اول، ازدواج‌کرده‌های دهه ۷۰؛ گروه دوم، ازدواج‌کرده‌های دهه ۶۰؛ گروه سوم ازدواج‌کرده‌های دهه ۵۰ و گروه چهارم ازدواج‌کرده‌های قبل از دهه ۵۰ را شامل می‌شود. برای هر یک از این چهار گروه هم‌دوره، میانگین سن در ازدواج اول محاسبه و در نمودار ۳ برای مردان و در نمودار ۴، برای زنان نشان داده شده است.

نمودار ۳ نشان می‌دهد که تفاوت نه‌چندان مهم و معنی‌دار میانگین سن در ازدواج اول مردان، روند قاعده‌مند رو به کاهش یا افزایش ندارد. در اغلب اقوام، کاهش اندکی در میانگین سن ازدواج اول کسانی که در دهه ۶۰ ازدواج کرده‌اند، مشاهده می‌شود، اما تغییرات به گونه‌ای نیست که بتوان روند مشخصی را برای آن تصویر و تحلیل کرد. افزون بر این، و مهم‌تر اینکه، تفاوت قومی در این شاخص، برای این چهار دوره ازدواجی تغییر جدی و چشمگیری نکرده است؛ یعنی همان اندک تفاوتی که در میانگین سن ازدواج اقوام برای متأهلان هم‌دوره دهه ۷۰ ملاحظه می‌شود، کم و بیش برای کسانی که در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ و قبل از ۱۳۵۰ ه. ش ازدواج کرده‌اند، نیز مشاهده می‌شود. بنابراین، مقایسه این گروه‌های هم‌دوره، فرض بیشتر یا کمتر بودن تفاوت‌های قومی در ازدواج اول را در دوره‌های مختلف یا حداقل مقایسه سالهای اخیر با دوره‌های دورتر (مثلاً قبل از ۱۳۵۰) رد می‌کند. این نتیجه با آنچه از مقایسه تفاوت‌های قومی در میانگین ازدواج اول زنان چهار گروه هم‌دوره مورد بحث مشاهده می‌شود، تأیید و تقویت می‌شود. نمودار ۴ روشن‌تر از نمودار ۳، آشکار می‌سازد که زنانی که در دهه اخیر ازدواج کرده‌اند، تقریباً همان تفاوت قومی را دارند که زنان ازدواج‌کرده در دهه‌های ۵۰، ۶۰ و قبل از آن؛ اما نتایج نشان داده‌شده در نمودار ۴ با نمودار ۳ تفاوت مهم و آشکاری دارد و آن اینکه، میانگین سن در ازدواج اول زنان با همان تفاوت قومی، از دوره قبل از ۱۳۵۰ ه. ش به دهه‌های ۵۰، ۶۰ و ۷۰، روندی کم‌وبیش رو به افزایش داشته است. این واقعیت به‌طور ضمنی تأیید می‌کند که قومیت مستقل از ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر تفاوت‌های میانگین سن ازدواج اول زنان تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، تفاوت‌های اقتصادی - اجتماعی اقوام در جریان این تغییر تفاوت‌های قومی، میانگین سن ازدواج را نه افزوده و نه کاهش داده است.

نمودار ۳: میانگین سن در ازدواج اول مردان گروه‌های هم‌دوره ۱۳۸۰ و قبل از آن به تفکیک قومیت



نمودار ۴: میانگین سن در ازدواج اول زنان گروه‌های هم‌دوره ۱۳۸۰ و قبل از آن به تفکیک قومیت



### تفاوت‌های قومی در همسرگزینی

اطلاعات آماری اقتصادی - اجتماعی خانوار، امکان بررسی دو جنبه از همسرگزینی و تفاوت‌های قومی در آن را فراهم می‌کند. اول، دایره همسرگزینی از طریق اطلاعات حاصل از «نسبت خویشاوندی با همسر» و دوم، نحوه انتخاب همسر. با استفاده از این داده‌ها جدول‌های ۴ و ۵ و نمودارهای ۲ و ۳ تنظیم شده است که توزیع افراد در اقوام مختلف را برحسب دو ویژگی فوق نشان می‌دهد.

جدول ۴: توزیع افراد ازدواج‌کرده برحسب نسبت خویشاوندی با همسر  
به تفکیک قومیت در سال ۱۳۸۰

کل	دایره همسرگزینی			قومیت (زبان)	
	غیرخویشاوندان	خویشاوندان دور	خویشاوندان نزدیک	تعداد	درصد
۲۸۲۷	۲۴۵۴	۷۴۶	۶۲۷	تعداد	ترکی
۱۰۰/۰	۶۴/۱	۱۹/۵	۱۶/۴	درصد	
۱۰۰۱	۵۶۹	۲۶۶	۱۶۶	تعداد	کردی
۱۰۰/۰	۵۶/۸	۲۶/۶	۱۶/۶	درصد	
۶۶۱	۵۰۰	۶۹	۹۲	تعداد	گیلکی
۱۰۰/۰	۷۵/۶	۱۰/۴	۱۳/۹	درصد	
۱۲۳۵	۵۵۴	۳۴۹	۳۳۲	تعداد	لری
۱۰۰/۰	۴۴/۹	۲۸/۳	۲۶/۹	درصد	
۷۹۴	۵۳۴	۱۱۱	۱۴۹	تعداد	مازندرانی
۱۰۰/۰	۶۷/۳	۱۴/۰	۱۸/۸	درصد	
۶۰۷۴	۳۵۶۶	۱۱۱۵	۱۳۹۳	تعداد	فارس
۱۰۰/۰	۵۸/۷	۱۸/۴	۲۲/۹	درصد	
۱۴۴۵۵	۸۴۴۱	۲۹۰۱	۳۱۱۳	تعداد	کل
۱۰۰/۰	۵۸/۴	۲۰/۱	۲۱/۵	درصد	

جدول ۴ و بررسی تفاوت‌های قومی در دایره همسرگزینی نشان می‌دهد که تفاوت اقوام در همسرگزینی نسبت به وضعیت ازدواج بیشتر است. بر این اساس، در حالی که بیش از ۵۵ درصد از افراد ازدواج‌کرده لری به نحوی با همسر خود نسبت خویشاوندی دارند (یعنی کمتر از ۴۵ درصد از آنان غیرخویشاوند هستند) این نسبت در میان افراد گیلک کمتر از ۲۵ درصد و در میان



ازدواج‌کرده‌های مازندرانی کمتر از ۳۳ درصد است. غیر از اقوام نامبرده، کردها، فارسها و ترکها (در وضعیت بینابین و پس از قوم لر) بیشترین ازدواج فامیلی را داشته‌اند. جدول ۴ و نمودار ۵ به‌وضوح نشان می‌دهد که تفاوت‌های قومی در ازدواج فامیلی بسیار زیاد و خیره‌کننده است. در بین این گروهها، وضعیت قوم گیلک و مازندرانی به‌طور جدی متمایز از دیگر اقوام تحت بررسی است.

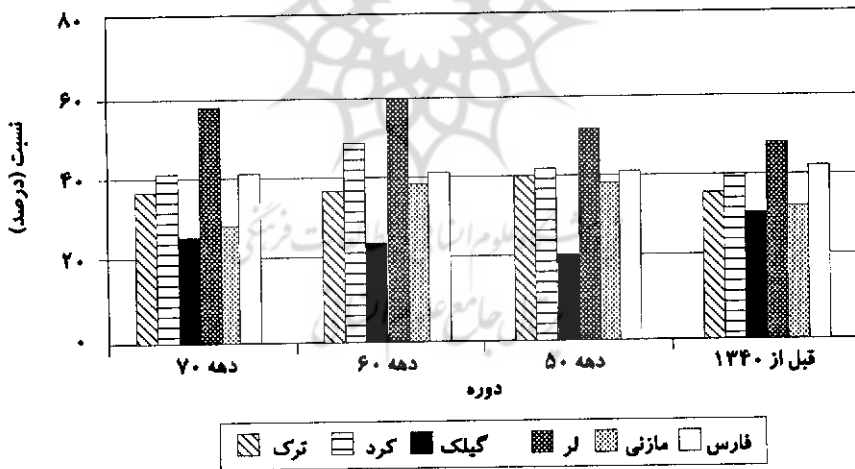
جدول ۵، بُعد دیگری از همسرگزینی و تفاوت‌های قومی در آن را نشان می‌دهد. اطلاعات این جدول آشکار می‌کند که خانواده و در مقابل خود فرد ازدواج‌کرده چه نقشی در انتخاب همسر داشته‌اند. همان‌طور که نسبت‌های آمده در این جدول و نمودار ۵ نشان می‌دهد، حدود ۷۲ درصد از افراد ازدواج‌کرده لر و حدود ۶۰ درصد از ازدواج‌کرده‌های مازندرانی و فارس و کمی کمتر از ۶۰ درصد از افراد کرد و ترک به توصیه والدین، خویشاوندان نزدیک و دیگر خویشاوندان، همسر خود را انتخاب کرده‌اند، در حالی که این نسبت در بین افراد ازدواج‌کرده گیلک به حدود ۴۶ درصد می‌رسد.

جدول ۵: توزیع افراد ازدواج‌کرده برحسب نحوه انتخاب همسر در ازدواج اول  
به تفکیک قومیت در سال ۱۳۸۰

کل	نحوه انتخاب همسر				قومیت	
	انتخاب شخصی	توصیه دوستان	توصیه سایر خویشاوندان و دوستان خانوادگی	توصیه خویشاوندان نزدیک		
۳۸۲۱	۱۶۵۷	۵۴	۱۲۲	۱۵۸	۱۸۳۰	تعداد
۱۰۰/۰	۴۳/۴	۱/۴	۳/۲	۴/۱	۴۷/۹	درصد
۹۹۸	۴۰۸	۲۲	۶۴	۷۰	۴۳۴	تعداد
۱۰۰/۰	۴۰/۹	۲/۲	۶/۴	۷/۰	۴۳/۵	درصد
۶۶۳	۳۴۶	۱۰	۴۳	۴۵	۲۱۹	تعداد
۱۰۰/۰	۵۲/۲	۱/۵	۶/۵	۶/۸	۳۳/۰	درصد
۱۲۳۳	۳۳۴	۱۰	۴۲	۹۱	۷۵۶	تعداد
۱۰۰/۰	۲۷/۱	۰/۸	۳/۴	۷/۴	۶۱/۳	درصد
۷۹۲	۳۰۳	۱۵	۴۴	۲۸	۳۹۲	تعداد
۱۰۰/۰	۳۸/۳	۱/۹	۵/۶	۴/۸	۴۹/۵	درصد
۶۰۷۲	۲۴۲۷	۹۷	۲۹۸	۳۶۱	۲۸۸۹	تعداد
۱۰۰/۰	۴۰/۰	۱/۶	۴/۹	۵/۹	۴۷/۶	درصد
۱۴۴۴۱	۵۶۶۰	۲۱۸	۶۳۹	۸۲۲	۷۱۰۲	تعداد
۱۰۰/۰	۳۹/۲	۱/۵	۴/۴	۵/۷	۴۹/۲	درصد

نمودار ۵ نسبت افراد ازدواج کرده‌ای را نشان می‌دهد که با همسر خود نسبت خویشاوندی دارند. این نسبت برای چهار گروه هم‌دوره در این نمودار نشان داده شده که به نوعی بیان‌کننده روند تغییرات این نسبت در میان اقوام است. تغییرات نسبت در میان افراد قوم کرد، لر و مازندرانی تا دهه ۶۰ افزایش یافته، ولی در بین افراد ازدواج کرده در سالهای دهه ۷۰ کاهش داشته است. تغییرات در این چهار گروه هم‌دوره تا متأهلان دوره دهه ۶۰، برای قوم فارس کاهش یافته و متأهلان هم‌دوره دهه ۷۰ کمی بیشتر از سه گروه دیگر این قوم با همسر خود نسبت خویشاوندی داشته‌اند. این در حالی است که تفاوت چندانی در نسبت افراد دارای رابطه خویشاوندی در چهار گروه هم‌دوره قوم گیلک مشاهده نمی‌شود.

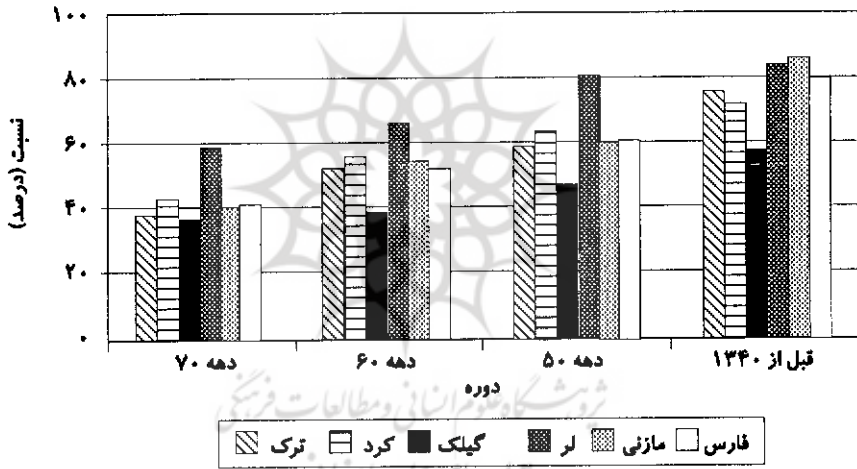
نمودار ۵: نسبت افراد ازدواج کرده‌ای که با همسر خود رابطه خویشاوندی دارند به تفکیک قومیت و گروه‌های هم‌دوره قبل از ۱۳۵۰، دهه‌های ۵۰، ۶۰ و ۷۰



مهم‌تر از آنچه در مورد تفاوت‌های گروه هم‌دوره برای هر یک از اقوام گفته شد و به‌رغم تغییرات نسبت افراد دارای رابطه خویشاوندی با همسر در گروه‌های هم‌دوره هر قوم، اینکه تفاوت قومی در همسرگزینی خویشاوندی در بین افراد گروه هم‌دوره دهه ۷۰ همچنان وجود

دارد. نمودار ۵ به روشنی نشان می‌دهد که در جریان تغییرات اقتصادی - اجتماعی دوره‌های مختلف، تفاوت قومی در همسرگزینی خویشاوندی از بین نرفته و به‌طور شایان بحثی باقی مانده است. بنابراین، این مشاهدات تأیید می‌کند که تفاوت قومی مستقل از اثر عوامل مذکور، همچنان منبع مهمی در تفاوت افراد در نسبت خویشاوندی با همسرشان است.

نمودار ۶: نسبت افراد ازدواج‌کرده‌ای که همسر خود را به توصیه‌ی خانواده یا خویشاوندان انتخاب کرده‌اند به تفکیک قومیت و گروه‌های هم‌دوره قبل از ۱۳۵۰، دهه‌های ۵۰، ۶۰ و ۷۰



اگر تفاوت‌های گروه‌های هم‌دوره ازدواج را از سال‌های قبل از ۱۳۵۰ ه. ش تا سه دهه بعد به عنوان نشانه‌ای از روند تغییرات در انتخاب همسر به توصیه‌ی پدر و مادر و فامیل افراد بپذیریم، نمودار ۶ نشان می‌دهد که این ویژگی برای همه اقوام تا سال‌های اخیر کم و بیش کمرنگ‌تر شده است. به عبارت دیگر، تفاوت عمده‌ای بین شیوه انتخاب همسر در میان افرادی که در دهه ۷۰ ازدواج کرده‌اند با متأهلان دوره‌های گذشته وجود دارد و نحوه انتخاب همسر به سمت انتخاب شخصی یا به توصیه‌ی دوستان متمایل شده است. در این میان، در گروه هم‌دوره ۱۳۷۰ ه. ش،

تنها افراد قوم لر تمایز آشکاری با دیگر اقوام مورد بررسی دارند، در حالی که تفاوت بین اقوام ترک، کرد، گیلک، مازندرانی و فارس در این گروه هم‌دوره نسبت به سه گروهی که قبل از سال ۱۳۷۰ ه. ش ازدواج کرده‌اند، کمتر شده است. این تغییر بیان‌کننده نوعی همگرایی در بین اقوام و متفاوت ماندن قوم لر است که بدین ترتیب لاقبل برای این اقوام نمی‌توان قومیت را به‌طور مستقل منبع تفاوت در نسبت افرادی دانست که همسر خود را به توصیه خانواده و خویشاوندان انتخاب می‌کنند. در عین حال، کاهش نسبت افرادی که به توصیه خانواده و خویشاوندان همسر خود را انتخاب کرده‌اند از گروه متأهلان دوره قبل از ۱۳۵۰ ه. ش به گروه متأهلان دوره دهه ۷۰ در اقوام لر و مازندرانی بسیار محسوس‌تر بوده است؛ اگرچه نمودار ۶ نشان می‌دهد که همه اقوام کاهش در این نسبت را تجربه کرده‌اند.

### نتیجه‌گیری

شکل‌گیری خانواده، زمان ازدواج، تأخیر و تعجیل در آن، رابطه نسبی قبل از ازدواج و نحوه انتخاب همسر مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده ساختار خانواده، تحکیم پیوندها و روابط خانوادگی و اجتماعی در گروه‌های قومی و اجتماعی هستند. همه این عوامل حتی بر ساخت قدرت در خانواده تأثیر گذاشته و خود از ساخت قدرت در خانواده تأثیر می‌پذیرند. روشن است که در ساخت سنتی، تصمیم‌گیری درباره زمان ازدواج، انتخاب همسر یا حتی فاصله سن زن و شوهر کاملاً مستقل از خانواده و خویشاوندان صورت نمی‌گیرد.

ویژگی‌های قومی از نظر تأثیر و تعجیل در ازدواج، تفاوت سن زوجین و نوع همسرگزینی نه تنها شکل‌گیری خانواده را متأثر می‌کند، بلکه از طریق تأثیر بر روابط زن و مرد می‌تواند ساختار قدرت در خانواده و نحوه مشارکت زوجین و دیگر اعضای خانواده را در تصمیم‌گیریها دستخوش تغییر قرار دهد. برخی مطالعات، که در این مقاله به آنها اشاره شد، چنین نتیجه گرفته‌اند که این مشخصه‌ها با باروری گروه‌های اجتماعی و قومی در ارتباط هستند.

این مقاله اگرچه با هدف تعیین سهم و نقش قومیت در میان متغیرهای تعیین‌کننده، به مطالعه ازدواج اقوام ایرانی نپرداخته است، لیکن تا اندازه‌ای که به تورش نتایج منجر نشود، تلاش

کرده است تا با استفاده از داده‌های کلی، شواهدی برای پاسخ به سه سؤال مهم مربوط به تفاوت قومی در سن ازدواج، تأخیر و تعجیل ازدواج و همسرگزینی افراد، تهیه و با ابزارهای تحلیلی مناسب به بررسی بپردازد و هیچ‌کدام از این شواهد حاکی از همگرایی اقوام ایرانی در این مشخصه‌ها نیست و شواهد به روشنی مؤید وجود مستقل تفاوت‌های قومی در ازدواج است. افزون بر این، همان‌طور که شواهد ارائه شده نشان می‌دهد، نباید از خاطر دور داشت که تفاوت‌های قومی در ازدواج به حدی است که حتی گروه‌بندی اقوام از نظر ازدواج را بسیار دشوار می‌کند. در واقع، طبق یافته‌های ما، وضعیت هر کدام از اقوام به نحوی منحصر به فرد است.

با وجود تمایزات قومی زیاد، می‌توان تعجیل در ازدواج اقوام ترک، لر و کرد را در بیشتر موارد مشاهده کرد، در حالی که قوم گیلک با تأخیر بیشتر و تعویق در سن ازدواج از دیگر اقوام مورد بررسی متفاوت و متمایز می‌شوند. بررسی تجربی نیز نشان داد که تفاوت‌های قومی به‌طور پایدار و مستقل همچنان منبع مهم تفاوت در مشخصه‌های سرعت ازدواج و همسرگزینی است. تنها همگرایی نسبی در بین اقوام را می‌توان در وضعیت و روند نحوه همسرگزینی (تغییر از انتخاب به توصیه خانواده و خویشان به انتخاب فردی) اقوام کرد، ترک، مازندرانی، گیلک و فارس مشاهده کرد؛ هرچند قوم لر از این همگرایی سهم بالنسبه کمتری برده است. علاوه بر اینکه افراد لر، به خصوص زنان، زودتر از دیگر اقوام ازدواج می‌کنند، در همسرگزینی خود بیشتر از دیگر اقوام به دایره خویشاوندی وابسته بوده و در مقایسه با اقوام دیگر، نسبت بیشتری از آنان با همسر خود خویشاوند هستند.

## منابع

### الف) منابع فارسی

- پرنده، پیروش (۱۳۷۲). «بررسی تفاوت‌های استانی در باروری اقوام»، فصلنامه جمعیت، شماره‌های ۵-۶.
- درودی آهی، ناهید (۱۳۸۰). «ازدواج و عدم توازن در تعداد دو جنس: مضيقه ازدواج در ایران (۱۳۷۵-۱۳۴۵)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران.
- زنجانی، حبیب‌الله و ناصری، محمدباقر (۱۳۷۵). «بررسی تفاوت‌های قومی و تأثیر آن بر میزان باروری زنان ایران، بخش جمعیت، مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی ایران».
- صادقی، رسول (۱۳۸۳). «قومیت و باروری: تحلیل رفتار باروری گروه‌های قومی در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- طالب، مهدی و گودرزی، محسن (۱۳۸۲). «قومیت، نابرابری آموزشی و تحولات جمعیتی»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۱.
- کمالی، افسانه و کوششی، مجید (۱۳۸۳). «تحلیل وضعیت ازدواج زنان»، طرح پژوهشی شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- کوششی، مجید (۱۳۸۴). «ادامه تحصیل و ازدواج دختران در ایران»، مجله رشد علوم اجتماعی، ش ۳.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳). «مناقشات در مورد مضيقه ازدواج در ایران»، مجله فرهنگ و پژوهش، ش ۱۷۲.
- لوکاس، دیوید و می‌یر، پاول (۱۳۸۱). «درآمدی بر مطالعات جمعیتی، گردآورندگان دیوید لوکاس و پاول می‌یر، ترجمه حسین محمودیان، چاپ اول، دانشگاه تهران».
- میرزایی، محمد (۱۳۸۱). «گفتاری در باب جمعیت‌شناسی کاربردی، دانشگاه تهران، چاپ اول».

- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۵). «متغیرهای جمعیتی و فرهنگ». نامه پژوهش، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، ش ۱.
- میرزایی، محمد و دیگران (۱۳۷۵). برآورد و تحلیل شاخصهای حیاتی - جمعیتی کشور در سرشماریهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشگاه تهران.

### ب) منابع انگلیسی

- Barbara, S. Mensch, Susheela Singh, and John B. Casterline (2005). "Trends in the Timing of First Marriage Among Men and Women in the Developing Word", The Population Council Inc (Working Papers).
- Caldwell, J.C., P.H. Reddy and Pat Caldwell (1983). "The Causes of Marriage Change in South India". *Population Studies*, Vol.37.
- Carmichael. Gordon A. (1988). *With this ring first Marriage Patterns*. Trends and Prospects in Australia Canberra Australian National University.
- Coale, A.J. (1971), *AGE Pattern of Marriage*, JPS, V.25, N.2, July 1977, P. 193-214.
- Ermisch J.F. (1981). "Economic Opportunities, Marriage Squeezes and The Propensity to Marry: An Economic Analysis of Period Marriage Rates in England and wales". *Population Studies* Vol.
- Goldberg, D. (1966). *Fertility and Fertility Differentials*. In Mindel C. Sheps and Jeanne C. Ridley (eds) Public Health and Population Change: Current Research Issues. Pittsburgh: University of Pittsburgh Press.
- Goldscheider, F.K. & Waite, L.J. (1986). "Sex Differences in the entry into marriage", *American Journal of Sociology*, 92.
- Hirschman, D. and J. Matras (1971). "A New Look at the Marriage Market and Nuptiality Rates, 1915-1958", *Demography* 8 (4).

- Pressat, Roland (1985). *The Dictionary of Demography*. Blackwell Reference.
- Scott, J. Douth & Kim M. Lloyd (1992). "Marriage Opportunities and Family Formation: Further Implications of Imbalanced Sex Ratios". *Journal of Marriage and Family F*, Vol.54.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی